

میزگرد

نشانیاتی که پشتیبان برنامه درسی اند

میزگردی با محور نقش و اهمیت مجلات رشد در آموزش

سالنامه
شماره سیزدهم
بهار ۱۳۹۸

۸۴

«دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی»، ضمن توسعه فرهنگ مطالعه، همواره پشتیبان برنامه درسی ملی بوده و سعی کرده است با انتقال راهکارهایی مناسب در مجلات رشد، فعالیت‌های حرفه‌ای معلمان را ارتقا دهد. در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» سه دفتر «تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه نظری»، «تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش» و «انتشارات و تکنولوژی آموزشی» در تولید محتوای آموزشی نقش پراهمیتی دارند.

در بیستمین نشست سالانه دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی میزگردی با عنوان «نقش و اهمیت مجلات رشد در آموزش» با حضور آقایان دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، دکتر محمود امانی طهرانی، مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه نظری و مهندس احمد رضا دوراندیش، مدیرکل دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش برگزار شد. آنچه در ادامه می‌آید گزارشی از این میزگرد است.

اهمیت مجلات رشد در پشتیبانی از برنامه‌درسی محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

بیستمین نشست سالانه این دفتر به نظر من اهمیت بسیار زیادی دارد. شاید اگر این نشست در تنکابن یا مشهد برگزار می‌شد، این توفیق به دست نمی‌آمد که آقایان دکتر امانی و مهندس دوران‌دیش را هم‌زمان در این گفت‌وگو داشته باشیم. در تاریخ سازمان پژوهش رابطه بین این سه دفتر هیچ‌گاه تا این حد نزدیک نبوده است. استحضار دارید که جناب آقای دکتر امانی و جناب آقای مهندس دوران‌دیش بالاترین و عالی‌ترین بخش تصمیم‌گیری در حوزه کتاب در سازمان پژوهش هستند و با بخش مجلات رشد نیز ارتباط تنگاتنگی دارند. در سال‌های اخیر که ویژه‌نامه‌هایی اختصاصی در زمینه تغییرات کتاب‌های درسی داشته‌ایم، به غیر از یکی دو دوره، از خود آقایان دعوت کرده‌ایم که کار را قبول کنند.

جناب آقای دکتر امانی ویژه‌نامه تغییرات کتاب‌های درسی را در بخش ابتدایی و نظری، و جناب آقای مهندس دوران‌دیش، ویژه‌نامه بخش فنی و حرفه‌ای را در کسوت سردبیری آماده کرده‌اند. این ویژه‌نامه‌ها مجلات بسیار مهمی بودند و چه بسا در زمان تغییرات کتاب‌های درسی تنها سندهای قابل اتکا و مراجعه محسوب می‌شدند. در واقع در کم و کیف انجام کار سردبیری این ویژه‌نامه‌ها هر دو بزرگوار از ابتدا تا انتها نقش اساسی داشته‌اند. در سال‌های قبل هم ویژه‌نامه‌ای در حوزه آموزش علوم منتشر شد که ویژه‌نامه مهمی بود و هنوز هم به آن مراجعه می‌شود. یک بخش از این ارتباط - صرف‌نظر از مسئولیت سازمانی



محمد ناصری: همیشه دعا می‌کنم ارتباطی که بین مدیران دفاتر سازمان وجود دارد، در بدنه کارشناسی دفاتر هم ایجاد شود

که هر دو بزرگوار دارند، به عنوان دو دوست و عزیز قابل اتکا و مشاور در امور مختلف - به خاطر ارتباط بسیار صمیمانه و نزدیک ما و ارادت به هر دو نفر است. بسیار پیش آمده است که در برخی از امور دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، در بخش مجلات رشد و سایر حوزه‌های فعالیت خودمان از این عزیزان مشورت گرفته‌ام. ارتباط ما با هم بسیار نزدیک است و باید قدر این ارتباط را بدانیم. همیشه دعا می‌کنم ارتباطی که بین مدیران دفاتر سازمان وجود دارد، در بدنه کارشناسی دفاتر هم ایجاد شود. چنین ارتباطی هر چه بیشتر اتفاق بیفتد، مطمئناً به نفع سازمان خواهد بود.

با این سؤال بحث را شروع می‌کنم: نقش و اهمیت مجلات رشد در پشتیبانی از برنامه‌درسی چیست و چه مسیری می‌توانید به ما معرفی کنید که مجلات رشد برای انجام این هدف، یعنی پشتیبانی از برنامه‌درسی، در آن قدم بگذارند؟

مجلات رشد زمینه‌ساز تبیین اسناد بالادستی
دکتر محمود امانی طهرانی، مدیر کل دفتر تألیف کتاب‌های ابتدایی و متوسطه نظری

خوش‌حالم که در جمع شما عزیزان هستم. این جلسات سالانه و گردهمایی‌ها از نقاط قوت سازمان پژوهش است که تا به امروز با جدیت پیگیری شده‌اند. نکته اول که به



محمود امانی طهرانی: تحقیقات نشان می‌دهند، بچه‌هایی که مفهوم عدد در ذهنشان خوب شکل بگیرد، قطعاً در پیشرفت ریاضی خیلی متفاوت عمل می‌کنند

آن می‌پردازم، تأکید بر فرمایش جناب آقای ناصری است که امروز سازمان پژوهش در شرایط خوبی قرار دارد. همین شرایط خوب برای ما مسئولیت مضاعف می‌آورد. امروز به غیر از اینکه تیم مدیریت سازمان پژوهش، مدیریتی بی‌مسئله، راحت و به نوعی فارغ از حاشیه‌هایی دارد که جاهای دیگر با آن درگیر هستند - و این جای شکر دارد - چشم‌اندازهای خوبی را برای سازمان ترسیم است.

شاید خبر داشته باشید که سازمان اخیراً به عرصه توانمندسازی معلمان وارد شده است. جناب آقای دکتر تورانسی طی مکاتباتی با وزیر محترم آموزش و پرورش، آمادگی سازمان پژوهش را در زمینه ورود به این عرصه اعلام کرده است. هنگامی که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وارد این عرصه شود، حال و هوای جدیدی به وجود می‌آید. مهم‌ترین نقص آموزش‌های ضمن خدمت در طول ۲۵ سال گذشته این بوده است که نگاه دائمی و مستمر به این آموزش‌ها وجود نداشته است. در این آموزش‌ها همه چیز موقت بوده است؛ برنامه موقت، مدرس موقت، کد موقت، محل اجرای موقت و... . هیچ‌گاه برای آموزش ضمن خدمت، یک سازمان کاری و یک مدیریت فکری مستمری تعبیه نشده است.

سازمان پژوهش برای ورود به این عرصه امکانات بسیار زیادی دارد. مجتمع‌های رشد که به لحاظ فیزیکی امکانی

عالی هستند، مجلات رشد، وبگاه رشد، ویژه‌نامه‌های رشد، سالنامه رشد، جشنواره فیلم رشد - که برای خودش یک بنای قدیم و چهل و چند ساله شناخته شده است - و همین مرکزی که امروز در آن حضور داریم؛ یعنی دارالفنون، می‌توانند برای آموزش‌های ضمن خدمت به خوبی به میدان بیایند. این فضا را چند تولید ما در سال‌های اخیر مثل «بر فراز آسمان» که به مرور زمان شناخته شده است، تقویت می‌کنند. در کنار هر کتاب درسی نرم افزاری شامل یک ویدیو وجود دارد که در آن مؤلفان درباره صفحه به صفحه کتاب، هدف‌های کتاب، برنامه‌های درسی و تشریح این فضا به طور مستقیم با معلمان صحبت می‌کنند.

«انتشارات مدرسه»، نیز در زمینه آموزش ضمن خدمت می‌تواند خیلی مؤثر واقع شود. همچنین «پخش مدرسه» که الان آن را به طور فیزیکی و نمادین راه انداخته‌ایم و البته هنوز به جایگاه واقعی خودش نرسیده است هم می‌تواند مفید باشد. به هر حال می‌بینیم که همه ابزار و لوازم و زمینه‌های این کار برای اینکه سازمان پژوهش بتواند در آموزش‌های ضمن خدمت وارد شود فراهم است. استان‌ها و مؤسساتی که با سازمان همکاری دارند به سازمان پژوهش، مؤلفان و سردبیران مجلات رشد، تولیدات و قول‌های سازمان اعتماد دارند و روی آن بیشتر از بخش‌های دیگر آموزش و پرورش حساب می‌کنند. این‌ها سرمایه‌هایی قرار دارند که در اختیار ما هستند و می‌توانند به ما کمک کنند.

بحث دوم این است که اسناد تحولی یک بخش اصلی دارند و یک سلسله حاشیه‌های فزاینده. در اسناد تحولی ما دوره‌ای با عنوان دوره هم‌سوسازی را گذرانده‌ایم که فشار بسیار زیادی روی سازمان آورد. از جمله تولید کتاب‌های



اول ابتدایی. بعد یک دوره آموزش بدون تشنج، بدون تنش، بدون فشار، با احساس موفقیت کامل برای تک تک بچه‌ها، با فرصت دادن به بچه‌هایی که مقداری از خانه سخت‌تر جدا می‌شوند، بچه‌هایی که زبان مادری‌شان متفاوت است و در خانه به زبان دیگری صحبت می‌کنند، با توزیع زبان‌آموزی به جای یک سال در سه سال، با حذف یک سلسله چیزهایی که نیاز نیستند، ظرف سه ساله اول به آن‌ها بپردازیم.

یعنی تمرکز بر اینکه یک سه ساله رشد دهنده همگانی جذاب همراه با احساس موفقیت همگانی شکل بگیرد. قرار بود در این دوره بازی، رشد توانمندی‌های پایه‌ای یادگیری و خواندن لذت‌بخش محور باشند. شبیه آنچه که در مجلات داریم؛ خواندن لذت‌بخش. یعنی بچه‌ها بخوانند که احساس لذت کنند. در ریاضیات به مفهوم سازی‌های ریاضی، تشکیل مفهوم عدد در ذهن بچه‌ها، بازی‌هایی که به تشکیل مفهوم عدد در ذهن می‌انجامند و مانند این‌ها بپردازیم. تحقیقات

درسی دو پایه در یک سال، آموزش معلمانی که چندان مناسب انتخاب نشده بودند و فضایی که آمادگی لازم را نداشت. اگر در مورد اسناد تحولی از افراد جامعه سؤال کنید که به نظر شما چه چیزی متحول شده است، پاسخ می‌دهند که نظام دوره ابتدایی از پنج سال به شش سال تغییر کرده است و بقیه پایه‌ها هر کدام یک پایه بالاتر آمده‌اند و هنوز هم این سؤال برایشان وجود دارد که: اصلاً چه سودی در این شش ساله شدن بود؟ هیچ کس هم جواب درستی به این سؤال نداده است.

البته بارها در سازمان درباره این موضوع توضیح داده شده است که قرار نبود کار به این روش پیش برود. قرار نبود که دانش‌آموزان کلاس پنجم به پایه ششم بیایند. این بعداً اتفاق افتاد. ابتدا قرار بود که بر دوره ابتدایی یک سال افزوده شود، اما این یک سال به ابتدای دوره ابتدایی افزوده شود. یعنی این پایه یک و دو، بشود پایه یک و دو و سه و بشود دوره

نشان می‌دهند، بچه‌هایی که مفهوم عدد در ذهنشان خوب شکل بگیرد، قطعاً در پیشرفت ریاضی خیلی متفاوت عمل می‌کنند. شما می‌بینید که یک نماینده مجلس و عضو کمیسیون اقتصادی، یک عدد را چهار بار می‌خواند و در نهایت هم نمی‌تواند آن را درست بخواند.

برنامه این بود که یک دوره سه ساله اول ابتدایی شکل بگیرد و پایه‌های چهار و پنج و شش کار خودشان را بکنند. اما یک مرتبه با تصمیمی عجولانه، دانش‌آموزان پایه پنجم را به پایه ششم فرستادند. به هر حال این اتفاق افتاد. اسناد تحولی نقاط مهمی را نشانه گذاری کرده‌اند. شما ببینید در این کشور سند‌های زیادی نوشته می‌شوند، اما کمتر سندی است که هر کس درباره آن صحبت می‌کند، یک نکته مثبتی راجع به آن می‌گوید. در فرمایشات مقام معظم رهبری تأکید و تأیید این سند وجود دارد، اما درباره سایر اسناد این طور نیست. ایشان چند بار گفته‌اند که این سند، هم آن طور که خود ما خواندیم و هم آن طور که کارشناسان به ما گزارش دادند، سند خوبی است و باید خوب اجرا شود.

در اجرای این سند مهم‌ترین بخش رسیدن به معرفت و شناخت درباره موضوع آن است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کلامی نورانی به کمیل فرمودند: «یا کَمیلُ ما مِنْ حَرکةٍ إِلَّا و أَنْتَ مَحْتاجٌ فیها إلی مَعْرِفَه». یعنی: کمیل از تو حرکتی سر نمی‌زند، مگر آنکه تو در انجام آن حرکت و کار نیازمند معرفت و شناخت باشی. اگر از اسناد شناختی عمومی به جامعه ندهیم، حرکتی از جامعه سر نخواهد زد. این کار وظیفه ماست. یکی از کارهایی که مجلات رشد می‌توانند انجام دهند این است که وضعیت آموزش و پرورش‌های

مطلوب را برای معلمان، دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها ترسیم کنند. مجلات می‌توانند این فضا را تجسم بخشند که آیا دانش‌آموز حق دارد نوع خاصی از تدریس را از معلمش مطالبه کند؟ آیا پدر و مادر حق دارند نوع خاصی از پرورش فرزندشان را از معلم مطالبه کنند؟ قطعاً این حق را دارند. این نوع خاص از فضا را مجلات می‌توانند ترسیم کنند.

بچه‌ها باید بدانند که تدریس خوب حقشان است. خیلی از پدر و مادرها فکر می‌کنند همین که اسم فرزندشان را در مدرسه نوشتند، دیگر مسئولیتشان تمام شده است. اما ترسیم این مطالبه برای پدر و مادر که آن‌ها باید درباره نحوه شروع درس، درباره نوع فعالیت‌های فرزندشان در مدرسه، نوع تکالیف یادگیری او، مشق شبی که به او می‌دهند، نوع امتحانی که از او می‌گیرند، ... تصمیم بگیرند، می‌شود یک مطالبه همگانی که همان پشتوانه سند است. این بخش از جنس آگاهی است.

جاهایی که استاندارد داریم، آن استاندارد اجازه نمی‌دهد که چیزی از یک حدی پایین تر بیاید. جاهایی هم استاندارد نداریم. باید استانداردها را اشاعه داد. ما باید در ایران استانداردهای آموزشی را برای بچه‌ها و معلمان ترسیم کنیم. این از آن جنس مطالبه‌گری‌ها مثبت است که باید از اسناد استخراج شود. خیلی جاها بین تدریس خوب و تدریس بد تنها چیزی که تأثیر ندارد، پول است و بیشتر از آن مسئولیت پذیری معلم، آگاهی معلم، رشد حرفه‌ای معلم و ... مطرح است. همین جاست که می‌بینید در یک مدرسه دو معلم هستند که یکی از آن‌ها تدریس بسیار خوبی انجام می‌دهد و دیگری تدریس غیر مؤثر و نامطلوب دارد. خواهش‌م این

است که مجلات رشد در این دوره‌ای که آقای دکتر تورانی اسم آن را دورهٔ رسیدن به کیفیت یادگیری گذاشته‌اند، روی این موضوع کار کنند. مجلات رشد می‌توانند سندها را از این حیث پشتیبانی کنند.

در سال ۱۹۸۸، انقلابی در نظام آموزش و پرورش انگلستان رخ داد؛ انقلابی که بیشتر در نحوهٔ ارزشیابی رخ داده بود، بدین شکل که از آن زمان تست چهار جوابی را در انگلستان ممنوع کردند. در همان زمان درس جدیدی با عنوان «طراحی و فناوری» (Design and Technology) به دورهٔ ابتدایی اضافه شد. البته تغییری هم در ساختار تحصیلی اتفاق افتاد که در آن امتحان پایهٔ دهم (GCSE) جدی شد. O Level حذف شد و A Level عامل اصلی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها شد.

در سال ۲۰۰۸ و ۲۰ سال پس از تغییر نظام آموزشی در انگلستان، پژوهشگری انگلیسی به نام دایلین ویلیام که شخصیت بسیار مشهوری در زمینهٔ ارزشیابی است، در یک سخنرانی با عنوان **tight but lose** به معنی «سفت و محکم در عین حال آزاد» را ارائه کرد. ویلیام در این سخنرانی با اشاره به تغییر نظام آموزش و پرورش انگلستان در سال ۱۹۸۸ گفت: «اگر شما تحول را به قدری ساده و سهل بگیرد که هر کسی بتواند هر کاری در هر جا انجام دهد، به حساب تحول بگذارد، دیگر تحولی برجانی ماند. آن‌ها همان کارهای عادی‌شان را به اسم کار تحولی به شما ارائه می‌دهند. حالا شما ببینید این موضوع چقدر با وضعیت کنونی ما هم خوانی دارد. اگر تحول را چنان سخت بگیرید و آن را بزرگ و دست نیافتنی کنید که هیچ کس نتواند رابطهٔ بین وضعیت موجود

خودش و آن را تعریف کند باز هم به جایی نمی‌رسید. ویلیام معتقد بود باید چند عنصر تحولی خدشه ناپذیر را به عنوان محور معرفی کنید و به هیچ وجه از آن‌ها کوتاه نیایید. اما در شکل‌های اجرایی در شرایط مختلف، انعطافی به وجود بیاورید که همه بتوانند نسبت خود را بین وضعیت کنونی و این محورهای اساسی تعریف کنند.

اگر از من بپرسید که مهم‌ترین محور تحول ما چه باید باشد، به نظرم یک طراحی آموزشی مؤثر تکان دهنده برای دانش‌آموز که منبعث از الگوی هدف‌گذاری برنامهٔ درسی ملی است. این همان هسته مرکزی و همان بخش **tight** و محکم آن است. بخش انعطاف‌پذیر آن که همان **Lose** است نیز عبارت از این است که هر مدرسه‌ای با این طراحی آموزشی مؤثر، تکان دهنده و رشد دهندهٔ دانش‌آموز، بر اساس این الگوی هدف‌گذاری برنامهٔ درسی ملی که رابطه‌های چهارگانه و عنصرهای پنج‌گانه در آن است، باید نسبت خود را تعریف کند. اینجاست شکل‌های گوناگون اجرا در هر مدرسه‌ای پدید می‌آیند و هر کدام به روشی به این برنامه نزدیک می‌شوند. اینجاست که می‌گوییم آموزش‌ها و پرورش‌های مطلوب.

در ایران ما انواع متفاوتی از مدرسه داریم: مدرسهٔ عادی با کلاس‌های پرجمعیت؛ مدرسهٔ عادی با کلاس‌های متوسط؛ مدرسهٔ چندپایه با تعداد کم و پایه‌های زیاد که همین مدرسه‌های چندپایه هشت نوع متفاوت دارند. در هر یک از این شکل‌های اجرا و شرایط متنوع، موضوع بد و خوب مطرح است، اما نوع آن فرق می‌کند؛ تدریس خوب و تدریس بد. من ابایی ندارم از اینکه از کلمهٔ تدریس بد و معلم بد استفاده کنم چون واقعیتی است که وجود دارد. ما معلم‌هایی داریم

لزوم تبیین نظام جامع آموزش و تقویت فنی و حرفه‌ای و مهارتی در مجلات رشد

مهندس احمدرضا دوران‌دیش، مدیرکل دفتر
تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش

ابتدا خلاصه‌ای از آنچه در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اتفاق افتاده است خدمت دوستان عرض می‌کنم و بعد مروری بر پیشنهاد‌های این دفتر خواهم داشت. می‌دانید که یکی از حوزه‌های مهم برنامه درسی ملی، حوزه تقویت و یادگیری و کار فناوری است. در برنامه درسی ملی در خصوص سازمان‌دهی محتوا این گونه آمده است که در دوره ابتدایی به صورت تلفیقی و درس مستقل، مفاهیم مربوط به ارزش کار، تلاش و کارآفرینی به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود. در دوره اول متوسطه این مفاهیم باز هم به صورت درس مستقل و تلفیقی همچنان وجود دارند و بعد مباحثی مانند دست ورزی هم به آن‌ها اضافه می‌شود. در دوره دوم متوسطه این مفاهیم در قالب رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش ظهور پیدا می‌کنند. همچنین در شاخه نظری، برخی از درس‌ها به این حوزه وابسته‌اند. دفتر تألیف کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش، پس از ابلاغ برنامه درسی ملی در سال ۱۳۹۲، مطالعات مربوط را آغاز کرد و نهایتاً با مشارکتی که این دفتر با ذی‌نفعان داشت، توانست شاخه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش را طراحی کند. از درون این طراحی‌ها رشته‌های جدیدی به وجود آمدند و رویکرد درس‌ها متفاوت شد. در شاخه فنی و حرفه‌ای، درس‌ها دیگر عنوان‌های سابق را ندارند. با اینکه دوره نظام آموزش فنی و حرفه‌ای سه ساله شده است،

که واقعاً معلم‌های بدی هستند. همان‌طور که معلم‌های فراوانی داریم که معلم‌های خوبی هستند. البته من به خوب و بد از منظر حرفه‌ای نگاه می‌کنم. بعضی می‌گویند معلم باید مهربان باشد. بعضی دیگر می‌گویند معلم باید سخت‌گیر باشد. من معتقدم این‌ها موضوع‌های فرعی هستند، معلم باید حرفه‌ای باشد. حرفه‌ای بودن معلم مهم‌ترین ویژگی اوست. ما الان در کشورمان معلم دلسوز و مهربان خیلی زیاد داریم، اما معلم حرفه‌ای کم داریم. وظیفه مجلات رشد در اینجا ترسیم شکل‌های مطلوب و پیچیدن نسخه بهبود برای هر کدام است. به عنوان آخرین نکته عرض می‌کنم که همه ما شاهد هستیم، معلمان در کشور از نظر مدرک تحصیلی رشد کرده‌اند و ادعاهای فراوان دارند. ادعای آن‌ها خیلی وقت‌ها بجاست. معلم‌ها فضایی می‌خواهند که خود را نشان دهند: «پری رو تاب مستوری ندارد.» مجلات رشد ابزاری هستند که می‌توانند به این گونه نیازها پاسخ بدهند. سهم و حضور معلمان در این مجلات الان هم موجود است، اما به صورت قصد شده، هر چه بتوانیم بر آن بیفزاییم، بر تیم طرفداران خود در کشور افزوده‌ایم. اگر مجله‌ای به گونه‌ای سازمان‌دهی و مدیریت شود که در تولید آن گروه فکری تحریریه اصلی در دفتر مرکزی نقش عمده خودشان را فعال‌سازی، سفارش مقاله، دریافت و انجام کار به وسیله معلم‌ها در نظر بگیرند و تیم استانی پیدا کنند، بسیار خوب خواهد بود. امروز یکی از شرط‌های بقای ما استان‌ها هستند. در سال‌های قبل این کار تا حدی دشوار بود. امروز فضای مجازی که این همه معلمان در آن می‌نویسند، نشان می‌دهد که افراد مشتاق نوشتن و صاحب قلم زیاد شده‌اند. اگر به این افراد خط بدهیم، می‌توانند نقشی بسیار غنی را ایفا کنند.



احمد رضا دوراندیش: در تدارک اجزای بسته آموزشی هم کار منحصر به فردی انجام شده و آن تألیف کتاب همراه هنرجوست

این است که هنرجویان فعال هستند. ما در این رشته به دانش آموزان «هنرجو» می‌گوییم. موقعیت‌های یادگیری در این کتاب‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که دانش آموز در تعامل با سایر هنرجویان و در تعامل با هنرآموز (دبیر) و محتوای کتاب بتواند فعالیت‌ها را انجام بدهد. در کنار طراحی کتاب‌های جدید، ویژه‌نامه‌رشد هم هر سال منتشر شده است. در پایه دهم «آموزش مبتنی بر

اما درس‌ها از نظر تنوع بیشتر شده‌اند. طبق مطالعاتی که انجام شده بود، درس‌ها با هم تلفیق شدند و درس‌های جدید مبتنی بر شایستگی پدید آمدند. طبق نقشه جامع علمی کشور، نظر و عمل با هم تلفیق شده‌اند و بحث‌های شایستگی به وجود آمدند. در هر رشته فنی و حرفه‌ای شش درس کارگاهی که زمان هر کدام هشت ساعت است طراحی شده‌اند. برای هر درس پنج پودمان وجود دارد. هر پودمان گویای یک شغل است و انتظار ما این است که در پایان دوره متوسطه دانش آموز میانگین ۳۰ شغل را آموزش دیده باشد. بعد از تصویب این طرح‌ها در «شورای عالی آموزش و پرورش»، طراحی اجزای بسته آموزشی انجام شد و کتاب‌های درسی جدیدی طراحی شدند. تفاوت عمده کتاب‌های جدیدالتألیف نسبت به کتاب‌های قدیمی



در هر درس پنج پودمان وجود دارد. بعد از انجام ارزشیابی پودمان اول، آن پودمان کنار گذاشته می‌شود و به ترتیب سایر پودمان‌ها انجام می‌شوند

شایستگی»، در پایه یازدهم «ارزشیابی مبتنی بر شایستگی» و در پایه دوازدهم «صلاحیت حرفه‌ای هنرآموزان» تألیف شده‌اند.

در تدوین برنامه‌های درسی چند نوع شایستگی داریم: «شایستگی‌های عمومی» مثل کتاب تاریخ، ادبیات و جغرافی و آنچه که مربوط به زندگی شهروندی ماست. شایستگی‌های مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای که با دنیای کار سروکار دارند و شایستگی‌های مربوط به علوم پایه و شایستگی‌های غیر فنی. مطالعات ما در چندسال اخیر نشان داده‌اند که ۲۰ تا ۲۵ درصد از زمان آموزش فنی و حرفه‌ای به این آموزش‌ها اختصاص دارد. ما در پایه دهم درس «الزامات محیط کار» را به عنوان شایستگی‌های غیر فنی طراحی کردیم که در این درس دانش‌آموزان با شرایطی که در کارگاه‌ها یا دنیای کار واقعی وجود دارد مثل بحث‌های ایمنی، ارتباط مؤثر با دیگران، کاریابی و ... آشنا می‌شوند.

برای پایه یازدهم درس‌های «نوآوری و کارآفرینی»، «کاربرد فناوری‌های نوین» و «مدیریت تولید» را طراحی کردیم که البته یکی از دو درس کاربرد فناوری‌های نوین و مدیریت تولید انتخابی هستند. در پایه دوازدهم هم درس «اخلاق حرفه‌ای» تألیف شده است.

در تدارک اجزای بسته آموزشی هم کار منحصر به فردی

انجام شده و آن تألیف «کتاب همراه هنرجو» است. این کتاب برای اولین بار برای رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش در سازمان پژوهش تألیف شده است. همه مباحث مربوط به بحث‌های حافظه‌مداری را در این کتاب آورده‌ایم و به دانش‌آموزان اجازه داده‌ایم که این کتاب همیشه در کارگاه و در جلسات امتحانی و ارزشیابی همراهشان باشد. در این کتاب و در کتاب‌های درسی هم به این نکته اشاره شده که دانش آموز به استفاده از این کتاب در جلسات ارزشیابی مجاز است. این کار باعث می‌شود استرس دانش‌آموزان هنگام ارزشیابی کم کاهش یابد.

همان‌طور که عرض کردم، در هر درس پنج پودمان وجود دارد. بعد از انجام ارزشیابی پودمان اول، آن پودمان کنار گذاشته می‌شود و به ترتیب سایر پودمان‌ها انجام می‌شوند. بنابراین چه در کتاب‌های شایستگی فنی و چه در کتاب‌های علوم پایه نیازی نیست دانش‌آموز در ارزشیابی پایانی پودمان‌های قبلی را امتحان بدهد. اگر به شایستگی لازم رسید در همان پودمان اول آن را انجام می‌دهد و کنار می‌گذارد.

با توجه به تغییراتی که صورت گرفته و با توجه به اینکه برخی از مدیران و معلمان هنرستان‌ها به روش‌های قبلی تدریس و آموزشی عادت دارند، انجام این تغییرات در برخی موارد با ممانعت مواجه می‌شود. لذا نیاز است که سازمان پژوهش به کمک شما عزیزان در مجلات رشد این مباحث را اشاعه دهید تا آموزش‌های لازم صورت بگیرند.

پیشنهاد اول من «تبیین تأثیر اسناد بالادستی بر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای» است. مجلس اخیراً مصوبه‌ای را در قالب «نظام جامع آموزش و تقویت فنی و حرفه‌ای و



یکی از سیاست‌هایی که این دفتر، هم در تألیف کتاب‌های درسی و هم در طراحی برنامه‌های درسی‌مان دنبال می‌کند، بحث «مرزگستری» است

فنی و حرفه‌ای و کار دانش، تألیفات صورت گرفته و طراحی و تدوین موقعیت‌های یادگیری که می‌توانند در کلاس درس اتفاق بیفتند، جایشان در مجلات رشد است. البته ما در کتاب‌های درسی و نرم افزارها و سایر اجزای بسته آموزشی به این موضوعها توجه می‌کنیم، اما این محدود است. کار زمانی دوام بیشتری پیدا می‌کند و پایدار می‌شود که افراد بتوانند درباره موقعیت‌ها نظر خودشان را بگویند و تجربه‌هایی که در این زمینه دارند، به اشتراک بگذارند. بنابراین یکی از کارهایی که می‌توانیم در مجلات رشد انجام دهیم، طراحی موقعیت‌های یادگیری است. گزارش‌هایی که گاه در زمینه معرفی تجربه‌های موفق در اجرای برنامه‌های درسی در مجلات مشاهده می‌کنیم برای خود ما برنامه‌ریزان درسی خیلی خوب است. اگر بتوانیم تجربیات هنرآموزان را در کارگاه‌ها، در مجلات رشد منعکس کنیم، هم برای برنامه‌ریزان درسی و هم برای سایر افراد که در صحنه اجرا حضور دارند، خوب است.

ما از اینکه برنامه‌های درسی و اجزای بسته آموزشی‌مان قرار است به صورت دوره‌ای ارزشیابی و نقد شوند، استقبال می‌کنیم. به نظر من در ۱۱ حوزه تربیتی جای مجله حوزه «کار و فناوری» به صورت خاص بین مجلات رشد خالی است. با توجه به شرایط اقتصادی کشور و مسائل مربوط به کار اگر

مهارتی» تصویب کرده که به نظر من لازم است مجلات رشد به این موضوع بپردازند و با توجه به مسائل اقتصادی کشور که بر آنها تأکید می‌شود، آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان، والدین و مسئولان داده شود.

مسئله دوم «هدایت تحصیلی حرفه‌ای» است. یکی از مشکلاتی که همیشه نظام آموزشی ما را تهدید کرده، همین بحث هدایت تحصیلی است. دانش‌آموزان ما هیچ‌گاه مجال آن را نیافته‌اند که بدانند علاقه و استعدادشان چیست و نیاز کشور در رابطه با هدایت حرفه‌ای‌شان چیست. در دوره اول متوسطه که یکی از مأموریت‌های اصلی این دوره است این فرصت آنطور که باید و شاید فراهم نمی‌شود. بنابراین تقاضای من این است که در مجلات رشد این فرصت را فراهم کنیم و مواردی را که لازم است دانش‌آموزان ما بدانند تا بتوانند هدایت تحصیلی و حرفه‌ای را ملموس درک کنند و انتخاب آگاهانه داشته باشند، با ایشان در میان بگذاریم.

یکی از سیاست‌هایی که این دفتر، هم در تألیف کتاب‌های درسی و هم در طراحی برنامه‌های درسی‌مان دنبال می‌کند، بحث «مرزگستری» است. البته در تألیف کتاب‌های درسی، دفتر این سابقه را داشته است و فقط باید آن را نظام‌مند کنیم. ما انتظار داریم مرزگستری در طراحی و تدوین برنامه‌های درسی اتفاق بیفتد. اگر درس‌هایی در یک استان خاص اجرا می‌شوند، به جای اینکه آن درس را در مرکز بنویسیم، تألیف آن را به همان استان خاص واگذار کنیم. برای این کار باید آموزش‌های لازم صورت بگیرند. این آموزش‌ها و اشاعه این کار در مجلات رشد می‌تواند شرایط و بستری را ایجاد کند برای آنکه استان‌های مشتاق در این زمینه به ما کمک کنند. به نظر من اشاعه تحول و چرخش‌های برنامه درسی



ناصر نادری: الان ما ضعف نگارش داریم. حتی در گفت‌وگوهایی با مؤلفان و کارشناسان کتاب‌های درسی و بحث‌هایی که مطرح شده‌اند، به قدری در سطح پایینی بوده‌اند که ترجیح داده‌ایم آن‌ها را چاپ نکنیم

بتوانیم مجله‌ای ویژه کار و فناوری منتشر کنیم، خیلی خوب خواهد بود.

محمد ناصری

با تشکر از دوستان. یکی از مهم‌ترین نکاتی که در صحبت‌های دوستان بود، بحث تبیین و اشاعه اسناد بالادستی بود. بیان کردن، فهماندن و ملموس کردن برنامه درسی ملی در قالب‌های متفاوت و وظیفه مجلات رشد است. البته مجلات رشد در زمینه اسناد تحولی زیاد کار کرده‌اند. برای مثال، در دومین شماره از مجله رشد معلم امسال، گفت‌وگویی با آقایان دکتر صادق زاده و دکتر حسینی که از طراحان سند تحول هستند، در زمینه حیات طیبه انجام شد. این گفت‌وگو کاملاً مفهوم حیات طیبه را برای مخاطبان ملموس کرده است. در این جلسه هم، فهماندن و تبدیل صحبت‌های آقایان دکتر امانی و مهندس دوراندیش به زبان مخاطب عام خیلی اهمیت دارد.

ناصر نادری

من تجربه‌های خودم را که مرور کردم، دیدم در

سال‌هایی که در سازمان پژوهش بودم، ارتباط مجلات رشد با دفاتر تألیف در بخش ترویج اهداف و محتوای برنامه درسی و به ویژه محتوای کتاب درسی، به سختی برقرار می‌شد. این انتظار وجود دارد که به ویژه در کتاب‌هایی که تازه تألیف هستند، گروه‌های تألیف در قالب نشست‌ها، یادداشت، مقاله و... به مجلات رشد بیشتر کمک کنند. واقعیت این است که در حال حاضر ظرفیت علمی و سواد رسانه‌ای کارشناسان سازمان قوی نیست. چرا این‌گونه شده است؟ زمانی وقتی ما به شناسنامه کتاب‌های درسی مراجعه می‌کردیم، اسم بزرگ‌ترین افراد آن دوره در شناسنامه قید شده بود. الان متأسفانه به شرایطی رسیده‌ایم که اولین کاری که یک فرد انجام می‌دهد تألیف کتاب درسی است و این خیلی بد است. یعنی اسم فرد بدون هیچ پشتوانه ادبی و علمی در شناسنامه کتاب درج می‌شود. این باعث سرشکستگی است.

الان ما ضعف نگارش داریم. حتی در گفت‌وگوهایی با مؤلفان و کارشناسان کتاب‌های درسی و بحث‌هایی که مطرح شده‌اند، به قدری در سطح پایینی بوده‌اند که ترجیح داده‌ایم آن‌ها را چاپ نکنیم. برخی از دوستان از نوشتن یادداشت هم ناتوان هستند. طرف نویسنده کتاب درسی است اما می‌ترسد در یک میزگرد شرکت کند.

دیگر اینکه وقتی مباحث مرتبط با این حوزه در قالب مجلات رشد وارد مدرسه‌ها می‌شوند، طبیعتاً بازتاب دارند و نقد می‌شوند. ما همواره در دریافت پاسخ‌های نقد از کارشناسان مشکل داشته‌ایم. البته بخش‌هایی هم بوده‌اند که پاسخ‌های علمی و دقیقی می‌داده‌اند اما عمدتاً در پاسخ به نقدها مشکل دارند. جایزه دادن به نقد کتاب‌های درسی هم سنت بسیار خوبی است. در مطبوعات هم چنین چیزی



داریم. اگر فضای نقد را در فضای فرسوده آموزش و پرورش ایجاد کنیم، بسیار مفید خواهد بود. خوب است که اصلاً فضای سازمان پژوهش را اینگونه کنیم که البته لازمه آن داشتن افراد باسواد، متین و خوش فکر است. جایگاه علمی سازمان باید تضمین بشود. الان کلی نشریات خوب داریم. اگر سازمان فصلنامه‌ای داشت که مانند سالنامه رشد نمود اتاق‌های فکر می‌شد، بسیار خوب بود.

در حال حاضر در سازمان پژوهش آینده نگری نداریم. ای کاش ۲۰ سال پیش فکر می‌کردند که اگر فردی روزی از سازمان رفت، جایگزین شایسته‌ای داشته باشد.

محمدرضا حشمتی، عضو شورای سردبیری رشد

معلم

به نظر من شفافیت به تنهایی کافی نیست. شعار ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سه چیز بوده است: شفافیت، مشارکت و تخصص‌گرایی. همان‌طور که آقای دکتر امانی گفتند، معلم‌ها بسیار رشد کرده‌اند و ما می‌توانیم در مجلات رشد می‌توانیم این موضوع را به شکلی انعکاس بدهیم. معلم‌ها بسیار جلوتر از سازمان پژوهش هستند. وقتی ما به استان‌ها می‌رویم، گلایه معلمان از سازمان پژوهش این است که سازمان رفتاری کرده که اعتماد به آن کاهش یافته است. بازخوردهایی که نسبت به کتاب‌های درسی داده شده‌اند، متأسفانه لحاظ نشده‌اند. من خودم در ارتباط با درس علوم و فیزیک به دوستانم بازخورد می‌دهم، اما لحاظ نمی‌شود. یعنی معلم‌ها باید به دنبال یک مرجعیت پاسخ‌گویی باشند.

همان‌طور که آقای نادری گفتند، معلم‌ها نسبت به معلم‌های چند سال پیش بی‌سواد هستند. بی‌سواد به این معنا

شعار ما در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی سه چیز بوده است: شفافیت، مشارکت و تخصص‌گرایی

که از ابزارهای لازم استفاده نمی‌کنند. نمونه‌اش را در گروه‌های فعالی می‌بینم که معلمان در شبکه‌های اجتماعی دارند. در این گروه‌ها معلمان بسیار توانمندی وجود دارند که باید از آن‌ها استفاده شود. واقعیت این است که سازمان پژوهش در حال پیر شدن است و الان نیاز است که از این ظرفیت‌ها استفاده شود. ما از آموزش معکوس حرف زده‌ایم اما هر روز در «گروه معلمان فیزیک» من درس‌های پنج دقیقه‌ای را به صورت فیلم می‌بینم. این گروه را مدیر گروه فیزیک تهران اداره می‌کند. جدیدترین مسائل را از آن طرف به اینجا می‌آورند، به هنگام

می‌کنند و ارائه می‌دهند. خواهش می‌کنم در سازمان به این موضوع توجه کنید که امکان رفت و آمد معلمان فراهم شود. برداشتن دیوارها و سنگفرش کردن کف بسیار اتفاق خوبی است. ما نیاز داریم معلمان جوان را بیاوریم. الان یک معلم جوان با سابقه یک سال کار مدل فکری بسیار متفاوتی با من به عنوان یک معلم با سابقه دارد.

سعی کنیم مرجعیت سازمان را با مشارکتی که به معلمان می‌دهیم، حفظ کنیم تا بتوانیم به عنوان مجموعه‌ای که مغز متفکر آموزش است، از فکرهای نو را بهره بگیریم. یعنی ما نیاز داریم خون‌های جدیدی در سازمان جریان یابند. الان وقت آن است که بعضی‌ها کنار بروند و در جایگاه مشاور قرار بگیرند. حرکتی که آقای ناصری در این زمینه کردند بسیار قابل ستایش است. در دفتر تألیف هم می‌شود به این موضوع فکر کرد. نیروهای جوان بیایند و شورای سردبیری تشکیل بدهند. به نظر من به بحث مشارکت بیشتر از شفافیت باید توجه شود. شفافیت امری درون سازمانی است، اما مشارکت جلوه بیرونی دارد. این اتفاق در دفتر فنی و حرفه‌ای افتاده است. ما در رشد معلم گفت‌وگویی با آقای محمدی داشتیم. ایشان معلم هستند و جزوه درسی‌شان که حاصل سال‌ها تدریس در ایرانشهر و بیرجند بوده، به کتاب درسی تبدیل شده است. دوستان در دفتر فنی و حرفه‌ای از ایشان دعوت کرده‌اند، مؤلف یکی از کتاب‌های این رشته باشد.

سپیده چمن آرا، عضو شورای سردبیری رشد برهان متوسطه اول

دیروز به «جشنواره نوآوری‌های آموزشی» رفته بودم. دیدم در بخش ریاضی بعضی از کارهایی که معلمان

انجام داده‌اند بسیار جلوتر از کارهایی است که در سازمان پژوهش انجام شده‌اند. متأسفانه همان معلمان با اسناد بالادستی و برنامه درسی ملی و اتفاقاتی که در آموزش و پرورش می‌افتند، آشنایی ندارند و نمی‌توانند دانش و علم موضوعی و حرفه‌ای‌شان را پیدا کنند که منطبق با آن اقدام به تولید و نوآوری دست بزنند. تعداد زیادی از ارائه‌هایی که در زمینه ریاضی دیدم به روش سخنرانی بودند؛ روشی که الان در برنامه درسی نفی شده است. در برنامه درسی نقش دانش‌آموز پررنگ و نقش معلم کم‌رنگ‌تر شده و قرار است که یادگیری دانش‌آموز محور باشد. اما آنجا برای اینکه روش سخنرانی را به شیوه متفاوتی ارائه کنند، از پاورپوینت، نمایش فیلم و... استفاده می‌کردند. دانش‌آموزان کاملاً منفعل نشسته بودند و اگر هم فعالیتی بود، در حد اینکه سؤالی می‌شد و در مقابل جواب بله یا خیر شنیده می‌شد. اینکه دست‌اندرکاران آموزش باید از طریق مجلات با این اسناد آشنا شوند یک ضرورت است. چون در غیر این صورت، افراد کار خودشان را خیلی بدتر و غیرمنسجم‌تر از قبل انجام می‌دهند. روش‌های سنتی انسجام خودش را در زمان و مکان خودشان انسجام داشتند و نتیجه می‌دادند. دانش‌آموز امروز با مبارزانی از ابزارهای جالب مواجه است، بدون اینکه بداند چه اطلاعاتی توسط آن ابزارها دریافت می‌کند. به نظر من به این شکل، دانش‌آموزان بیشتر سردرگم می‌شوند تا اینکه بخواهند یادگیری متناسب با قرن بیست و یکم را دریافت کنند.

محبت‌الله همتی

در فضایی که در این جلسه ترسیم شد، به نظر من نقش

مجلات رشد به عنوان یک ارگان آموزشی و یادگیری برای معلمان ویژه‌تر می‌شود و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر مجله‌ای بتواند پل ارتباطی ویژه‌ای بین معلمان خوب - معلمانی که پرتلاش‌اند و فکر و اندیشه‌ی خوب دارند - و کارشناسان فراهم کند، تا حدودی توانسته است که در این فضا نقش آفرینی کند. من هم روی این نکته تأکید می‌کنم که ارتباط عمیق و مناسبی بین کارشناسان دفاتر در سازمان پژوهش و همچنین بین آن‌ها و گروه‌های درسی هم چنین فضایی وجود ندارد. شاید اشکال از ماست که زیاد به سمتشان نرفته‌ایم.

سازمان پژوهش تولید کننده محتواست، پس افرادی باید وارد آن شوند که بتوانند در حوزه تخصصی خودشان محتوا تولید کنند. اگر معلمانی هستند که می‌توانند به خوبی درس بدهند، محتوا تولید کنند و تجربه‌هایشان را انتقال دهند، باید از آن‌ها استفاده کنیم. برای مثال، همکار خوبمان سرکار خانم محمودی دو سه سالی است که مطالبی در رشد آموزش ابتدایی می‌نویسند و من مشتاقانه آن مطالب را می‌خوانم. جنس مطالب ایشان در واقع دغدغه‌های مادری است که با معلم و مدرسه مشکل دارد. از این نگاه مسئله‌ها را به محتوای موردنظرشان تبدیل می‌کنند و به این ترتیب مطلب خواندنی می‌شود. لذا در این فضا شناخت مسئله‌های معلمان در حوزه خودشان و پاسخ به آن‌ها از طرف مجله بسیار مطلوب خواهد بود.

یونس باقری، مدیر داخلی رشد قرآن و معارف اسلامی

در «سند تحول برنامه درسی» شش مرحله تعریف شد

و بخشی از آن که به عهده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی گذاشته شد، «برنامه درسی ملی» بود. در این برنامه آنچه از همه مهم‌تر بود، تغییر الگوی هدف‌گذاری بود. یعنی قرار شد الگوی هدف‌گذاری از علوم به برنامه درسی ملی منتقل شود. زمانی که برنامه در حال اجرا بود، قرار بود در چهار عرصه و پنج عنصر باشد، ولی به مرور زمان این موضوع کم‌رنگ شد. آن زمان که من در دفتر تألیف بودم، گفتند: اگر چند مرحله از نگرشی‌ها را در قالب ایمان، علم و تعقل بنویسید همه چیز درست خواهد شد. بعد از مدتی هم همه چیز تمام شد.

سؤال من این است که اگر قرار است ما در مجلات رشد از برنامه درسی که تغییر الگوی هدف‌گذاری است حمایت کنیم، همین برنامه درسی الان در دفتر تألیف چه وضعیتی دارد؟ یعنی تا الان چه مراحل را طی کرده است؟

دکتر مریم عابدینی، سردبیر رشد آموزش علوم

زمین

سؤال من این است که: آیا درک همه افراد از معلم حرفه‌ای یکی است؟ آیا یک نفر با داشتن مدرک دکترا حتماً آدم توانمندی است؟ آیا وقت آن نشده است که تعریفی از معلم حرفه‌ای و اینکه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، ارائه دهیم؟ الان از حلقه مفقوده‌ای صحبت می‌کنیم که هیچ‌گاه به آن پرداخته نشده است. از چند نفر سؤال کنیم تعریف شما از معلم حرفه‌ای چیست، آیا همه یک جواب دارند؟ مطمئناً نه. پس ابتدا باید یک الفبایی را تعریف کنیم تا همسان‌سازی بشود و بعد آن را نقد کنیم.

متأسفانه الان فضای نقد ما صرفاً نقد شخص است. یعنی من از یک نفر که خوشم نمی‌آید او را نقد می‌کنم و صرفاً به خاطر مشکل قبلی که با او داشته‌ام، برای کوبیدن وی در جلسه نقد حضور پیدا می‌کنم. برای مثال، یک نفر برای خدشه‌دار کردن سازمان پژوهش گفت: درس شهید فهمیده از کتاب‌های درسی حذف شده است. در صورتی که آن درس در پایه‌ای ارائه شده بود که فهم آن برای دانش‌آموزان آن پایه مناسب نبود و به پایه بالاتری منتقل شد تا دانش‌آموزان موضوع اینار و شهادت را بهتر متوجه می‌شوند.

متأسفانه فضای نقد این روزهای ما مقداری سیاسی و گاه شخصی است تا واقعی. باید فضای واقعی وجود داشته باشد تا ما بدانیم شاخص‌هایمان چه چیزهایی هستند و خودمان را نسبت به آن شاخص‌ها تعریف کنیم. باید به سمتی برویم که سازوکاری برای جذب معلمان توانمند داشته باشیم و بعد بتوانیم روی موضوع‌های دیگر کار کنیم.

موضوع بعدی این است که تا وقتی که نیروهای جدیدی به سازمان اضافه نشده‌اند فرصت داریم که از نیروهای قدیمی کمک بگیریم. چون افرادی که به تازگی به مجموعه اضافه می‌شوند، ممکن است از تکنیک‌های لازم برخوردار نباشند. خوب است دوره‌های ضمن خدمت در حوزه خودشان برایشان برگزار شود.

دکتر محمود امانی طهرانی

البته موضوع جلسه ما صلاحیت افراد حاضر در دفتر

تألیف نبود، اما خوب است بدانیم که تقریباً در هر دوره‌ای چند فرد خیلی شاخص، تعدادی افراد متوسط و تعدادی هم افراد ضعیف حضور داشته‌اند. این نسبت ممکن است مقداری بالا و پایین بشود، اما متأسفانه چندان تغییری نکرده است. چون در طول این سال‌ها باید سازوکارهایی به وجود می‌آمد که ما بتوانیم شمار نیروهای برجسته‌ای را که در سازمان کار می‌کنند، بالا ببریم. اینکه می‌گوییم معلمان رشد کرده‌اند، یک واقعیت است. اما بین معلم رشد کرده با کارشناس مناسب سازمان پژوهش فاصله جدی به معنی حرفه‌ای بودن وجود دارد. ممکن است معلمی در حوزه یاددهی - یادگیری در رشته علمی خودش رشد کند، اما وقتی می‌خواهد وارد حوزه برنامه درسی شود باید به عنوان یک رشته علمی به آن نگاه کرد و در آن زمینه معلمان را توانمند ساخت کرد.

سازمان پژوهش در این زمینه اقداماتی انجام داده است و افرادی هم در این راستا به سازمان اضافه شده‌اند. اما میزان آن به اندازه‌ای نیست که کفایت کند. بعضی از اسم‌هایی که امروز از آن‌ها نام می‌بریم در زمان خودشان در مظان همین حرفه‌ای بودند که به کارشناسان امروز نسبت داده می‌شوند. اما این افراد به مرور زمان بزرگ شدند، به طوری که امروز همه اذعان داریم، آن‌ها انسان‌های بزرگی هستند. اگر روز اول به همین بهانه می‌خواستیم آن‌ها را کنار بگذاریم، باید همه را کنار می‌گذاشتیم.

روزی که من به سازمان پژوهش وارد شدم، به عنوان یک معلم متوسط نسبتاً خوب وارد گروه درسی شدم. اما سازوکاری وجود داشت که این سازوکار مرا رشد داد و توانمندم کرد. یعنی یک فرایند "personal development" شکل



روزی که من به سازمان پژوهش وارد شدم، به عنوان یک معلم متوسط نسبتاً خوب وارد گروه درسی شدم. اما سازوکاری وجود داشت که این سازوکار مرا رشد داد و توانمند کرد

در سال‌های گذشته خیلی سعی شده است که این قبیل مشکلات حل شوند.

ضعف گروه‌های درسی امروز بیشتر از قبل نیست. اما فضای بیرون رشد جهشی کرده است که ما خودمان را برای آن فضا آماده نکرده‌ایم. فضای مجازی به هر کسی امکان داده است حرف خودش را به گوش همه برساند. در این فضای جدید و حجم نوشتن‌ها، حضور نه فقط برای کارشناسان بلکه برای رئیس سازمان و وزیر هم بسیار دشوار است. اگر بخواهید خودتان را در این فضا به روز نگه دارید و از همه‌ی مطالبی که در این فضا منتشر می‌شوند، آگاه باشید و به همه‌ی مطالب پاسخ دهید، قطعاً از کارهای عادی‌تان باز خواهید ماند. اما باید سهم آن را داد و در عین حال، خودباوری لازمه‌ی کارمان را هم از دست ندهیم. فکر نکنیم که امروز اوضاع از قبل بدتر است. بسیاری از افرادی که به آن‌ها مباحثات می‌کنیم، اگر امروز وارد سازمان شوند، ما به آن‌ها می‌گوییم شما پداگوژی امروز ما را بلد نیستید و حرفه‌ای بودن امروز مجلات ما را درک نکرده‌اید. شما در زمان خودتان خوب بودید. امروز کارشناسانی در سازمان حضور دارند که بسیار کارکشته‌تر از قبلی‌ها هستند و این همان رشد است.

گرفت. این فرایند نیازمند زمان، صبوری و افراد است. من با کوچک کردن گروه‌های درسی در سازمان مخالف هستم. چون معتقدم اگر شما می‌خواهید قله داشته باشید باید بدانید که کوه است که قله دارد. یعنی باید دامنه‌ای وجود داشته باشد تا قله به وجود بیاید. اما اگر یک ستون را بگیرد و از آن بالا بروید در نهایت آن ستون روزی فرو می‌ریزد. باید رفت و آمدها به سازمان را تسهیل کرد. باید گروه‌ها را درست چید تا از بین آن‌ها افراد توانمند بیرون بیایند.

البته باید سختگیری هم وجود داشته باشد. برخی افرادی که به اینجا می‌آیند، جاگیر و پاگیر می‌شوند. خیلی هم افراد به درد بخور و توانمندی نیستند، اما اجازه ورود به افراد دیگر را نمی‌دهند. این افراد در بروندادهای سازمان نقشی ندارند، اما محکم‌تر از دیگران هم به اینجا چسبیده‌اند. یکی از ابعاد بسیار دشوار مدیریت این است که افراد را از این جایگاه‌ها جدا کند. یا برعکس افرادی داریم که از هر جهت توانمند هستند، اما قانون اجازه استفاده از توانمندی‌های آن‌ها را به ما نمی‌دهد. دغدغه مدیریت سازمان باید این باشد که نیروهایی که به اینجا می‌آیند در هر جمعی که حاضر می‌شوند و هر چه که تولید می‌کنند برای سازمان آبرو بیاورند.

نکته دوم که دوستان اشاره کردند، درباره ارتباط بین گروه‌های درسی و گروه‌های فعال در دفتر مجلات رشد بود. مدارا، تسامح و همکاری با یکدیگر از جمله اصول کار است. خوش‌بختانه در سطح کلان مدیریتی سازمان این روحیه وجود دارد. به یاد دارم که برخی از گروه‌ها می‌گفتند: نقش گروه ما در مجله فلان صفر است و ما را راه نمی‌دهند. در مقابل هم مجله‌ای به تریبون کتاب درسی تبدیل می‌شد.



احمد رضا دوراندیش

ما مؤلف کتاب را به این صورت انتخاب می‌کنیم که غیر از اینکه صلاحیت عمومی او باید برای ما محرز باشد، باید در آن درس شایستگی و در آن شغل صاحب تجربه عملی باشد، نه تجربه دانشی. مثلاً ما از هنرآموزی که فقط درس این کار را داده است، برای تألیف کتاب استفاده نمی‌کنیم. او باید تجربه عملی کار در کارگاه هم داشته باشد. اولویت بعدی هم این است که پداگوژی را بلد باشد. در کتاب‌های جدیدالتألیف بیش از ۱۰۰۰ مؤلف داریم. بحث الگوی هدف‌گذاری در برنامه درسی را در دو سطح انجام داده‌ایم. بعد از اینکه نظرسنجی شغلی صورت گرفت و مشخص شد که هدف‌های رشته‌ها چه هستند، این موضوع در هدف‌های درس‌ها به صورت کلان و در هدف‌های توانمندسازی هر درس مورد توجه قرار گرفت. یعنی وقتی هدف‌های توانمندسازی برنامه‌های درسی رشته فنی و حرفه‌ای را ملاحظه فرمایید، می‌بینید که رابطه بین عرصه‌ها و عنصرها برای آن درس فنی و حرفه‌ای مشخص شده است. اگرچه برای پیاده کردن این هدف‌ها در موقعیت‌های یادگیری - یاددهی خیلی تلاش کرده‌ایم، اما نمی‌گوییم خیلی موفق بوده‌ایم. با توجه به شرایط و کمبود زمانی که داشتیم، این اقدام صورت گرفته است. ما برای تألیف، ماکتی در اختیار کسانی می‌گذاشتیم که از آن‌ها برای تألیف کتاب دعوت کرده بودیم. در سطح این ماکت هدف توانمندسازی، و در کنار این هدف عرصه و عنصرش مشخص شده است. ارتباط تعاملی‌اش با هنرآموز و با سایر هنرجویان و با محتوای درس و زمان آن را هم مشخص کرده‌ایم. ما برای هر موقعیت یادگیری

یک صفحه را پیشنهاد داده‌ایم. تقریباً حدود ۴۰ درصد از مؤلفان دفتر فنی و حرفه‌ای خارج از شهر تهران زندگی می‌کنند.

گفتمان‌سازی، مهم‌ترین رویکرد سازمان پژوهش

است

دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

همه شما بالقوه و بالفعل یک سازمان هستید. همه باید احساس کنید مدیر و رهبر سازمان هستید. این فرصت همیشه اتفاق نمی‌افتد که ما بتوانیم از این بسترهای مناسب برای رشد و ترقی استفاده کنیم. باید قدر داشته‌هایمان را بدانیم. نباید همیشه به نداشته‌هایمان فکر کنیم. کمتر رویکردی را مهم‌تر از رویکرد گفتمان‌سازی می‌دانم. ما نیاز داریم با هم حرف بزنیم. اتاق‌های ما کنار هم هستند اما از هم دوریم. در خانواده‌ها هم همین‌طور هستیم. کمتر حرف می‌زنیم و بیشتر اهل سکوتیم. یکی از این بسترها همین جلسات هستند. اگر این جلسه خوب است، پس همه دفاتر سازمان باید از این نوع جلسات برای همکاران خودشان بگذارند. یک جلسه دیگری هم می‌تواند جلسه‌ای باشد که افراد اندیشمند و مؤلفان و کارشناسان در کنار هم بنشینند و درباره مباحث کلی بحث کنند. هر چه گفت‌وگو کنیم، بیشتر می‌توانیم به هم نزدیک شویم.

دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی باید بیشتر از این تقویت شود. چون کتاب، مجله و فناوری را در اختیار دارد.



حیدر تورانی: دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی باید بیشتر از این تقویت شود، چون کتاب، مجله و فناوری را در اختیار دارد

خودش نیست. بخشی از این‌ها برمی‌گردد به مدیریت‌ها، جسارت‌ها و شجاعت‌های ما و بخشی هم برمی‌گردد به اختیارات سازمان. یک جاهایی اختیارات سازمان صد درصد نیست. اگر آموزش معلمان و سرگروه‌های آموزشی به سازمان پژوهش سپرده شود، این خلأ پر خواهد شد. با استفاده از امکاناتی مانند مدرسان، مؤلفان و متخصصانی که داریم، می‌توانیم شهر آموزش راه بیندازیم. اگر بتوانیم آموزش را به دست بگیریم، بسیاری از بحث‌های اجرا هم به سراغ ما می‌آیند. جایگاه سازمان هم مقداری دست خود ماست. باید گشاده‌رو و گشاده‌دست باشیم. این‌ها خیلی اهمیت دارد.

کمتر دفتری در وزارتخانه چنین وزنی دارد. اما متأسفانه این دفتر از همهٔ دفاتر کمتر شناخته شده است. یکی از معانی جهان سوم همین است که ما دیوارها، ستون‌ها و ساختمان‌ها را می‌بینیم، اما نرم‌افزارها را نمی‌بینیم. به عبارت دیگر، سازه‌های نرم را نمی‌بینیم اما سازه‌های سخت را می‌بینیم. مسئولان ما حاضر هستند برای افتتاح یک ساختمان وقت بگذارند، اما در مراسم علمی و تخصصی حضور پیدا نمی‌کنند و از کنار آن سریع رد می‌شوند. این یک نگاه جهان سومی است که باید تغییر پیدا کند.

جایگاه سازمان پژوهش باید برای همگان تبیین شود. بعضی از افراد حتی اسم سازمان را هم به درستی نمی‌دانند. هر کس با یک اسم از سازمان پژوهش یاد می‌کند: سازمان کتاب‌های درسی، سازمان برنامه‌های درسی، سازمان پژوهش و نوسازی. حتی مدیران کل استان‌ها و رؤسای مناطق هم اسم سازمان را به درستی نمی‌دانند. جایگاه سازمان پژوهش الان جایگاه اصلی